

آیت الله مهدوی کنی (قدس سره)، از جنس جامعیت بود، فقیه و اندیشمند بود، غفور با گذشت، کریم و رحیم، صبور و بردبار، حکیم و بصیر، مانع و جلیل، بر سر ظالمان قهار و جبار بود و سیره مبارزاتی او حکایت از جمع بین اضداد می‌کرد. ایشان شخصیت زمان‌شناسی بود که در زمانه‌ای که بسیاری در فکر توسعه حوزه‌های سنتی بودند، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) را پایه‌گذاری کرد که محملی برای تربیت اندیشمندان و متفکران مسلمان برای امروز روزگار ما بود. حال در زمانی که مواجه با ضایعه از دست دادن این عالم ربانی هستیم ضروری است ابعاد وجودی این عالم نستوه به عنوان شخصیت جامع الاطراف هر چند به شکلی موجز و به عنوان مسکن درد اخلاقی جامعه امروز معرفی شود. در همین راستا ابتدا به زندگینامه و فعالیت‌های ایشان پرداخته شده است. سپس شخصیت ایشان از زبان بزرگان انقلاب اسلامی معرفی شده و در نهایت نیز به بیان راهکارهای اصلی ایشان در خصوص اصلاح اصول اخلاقی، علمی و دینی مبتلابه جامعه امروز نگریسته شده است.

آیت الله محمدرضا مهدوی کنی (ره)

آیت الله محمدرضا مهدوی کنی (قدس سره) در ۱۴ مرداد ۱۳۱۰ در روستای کن به دنیا آمدند. ایشان پس از طی دوره دبستان در کن، وارد مدرسه علمیه لرزاده در تهران شدند و از محضر مرحوم آیت الله برهان بهره‌های علمی و اخلاقی فراوان بردند. آیت الله مهدوی کنی (قدس سره) در سال ۱۳۲۷ در سن ۱۷ سالگی برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت نمودند و تا سال ۱۳۴۰ در محضر استادان مبرز آن زمان همچون حضرات آیات مشکینی، حاج شیخ عبدالجواد سده‌ای (جبل عاملی)، شهید صدوقی، سلطانی، مجاهدی، رفیعی قزوینی، شعرانی، علامه طباطبایی، آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی، آیت الله العظمی گلپایگانی و ... رضوان الله تعالی علیهم، دروس عالی فقه، اصول فقه، تفسیر، حکمت، کلام و دروس خارج فقه و اصول را تلمذ کردند.

آیت الله مهدوی کنی (قدس سره) پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۴۰، در مدرسه مروی به تدریس علوم حوزوی مشغول شدند و از سال ۱۳۴۲ امامت جماعت مسجد جدیدالتاسیس جلیلی در میدان فردوسی را پذیرفتند. این مسجد پایگاه مناسبی برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایشان شد. مبارزات معظم له علیه حکومت طاغوت، باعث دستگیری‌های متعدد، تبعید، شکنجه و زندانی شدن ایشان شد.

سوابق مبارزاتی

آیت الله مهدوی کنی (قدس سره) با ورود به حوزه علمیه و آشنایی با دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مشاهده ظلم و ستمی که در حق اسلام، علما و مردم می‌شد، روش سیاسی حضرت امام خمینی (ره) را به عنوان شیوه‌ای که می‌تواند باعث احیای تشیع گردد، برگزیدند.

آیت الله مهدوی کنی (قدس سره)، در داخل حوزه علمیه فعالیت سیاسی خود را شروع کردند. از جمله فعالیت‌های مهم ایشان عضویت در مجمعی سیاسی بود که افرادی چون آیات و حجج اسلام سعادت پرور (پهلوانی)، محمدی گیلانی، محفوظی، خادمی اصفهانی، شمس، سمندری، جنیدی، حاج شیخ عباس ورامینی و... در آن حضور داشتند. بخشی از فعالیت‌های این مجمع تحلیل فضای سیاسی کشور بود. همچنین اعضای این مجمع سعی می‌کردند با خرید کتاب‌های کمونیست‌ها و ماتریالیست‌ها، پس از مطالعه و مباحثه در برابر آنها پاسخ تهیه کنند و در جریان‌ات سیاسی وقت حضور داشته باشند.

از دیگر برنامه‌های ایشان، فعالیت در مجامع علمی و سیاسی با حضور برخی دوستانشان مانند حضرات آیات شهید مطهری، شهید بهشتی، موسوی اردبیلی و... بوده است. در این جلسات مباحثی مانند اقتصاد اسلامی و حکومت اسلامی مورد بحث و بررسی بوده است که در نهایت منجر به تأسیس هسته‌هایی مثل جامعه روحانیت مبارز تهران و تهیه اساسنامه مبارزاتی و دینی برای آن شد.

سمت‌ها

مرور کارنامه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی آیت‌الله مهدوی کنی (ره) به‌خوبی تعهد و ارادت خاص ایشان را به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نشان می‌دهد. این عالم بزرگ، قبل از انقلاب با افکار خود توانستند نقش بزرگی را در هدایت جوانان به مسیر مبارزه و نیز جذب آنان به آرمان‌های انقلاب ایفا نمایند.

ایشان بعد از انقلاب نیز در بسیاری از نهادهای سیاسی و فرهنگی کشور خدمت کردند و در بسیاری از موارد، خود بانی و مؤسس بسیاری از آن نهادها بودند. به‌راستی که وی یکی از بزرگ‌ترین مفاخر و شخصیت‌های مؤثر در چند دهه اخیر بودند.

عضویت در حلقه اولیه شورای انقلاب از طرف حضرت امام خمینی (ره)

عضویت در کمیته استقبال از حضرت امام خمینی (ره)

سرپرستی کمیته انقلاب اسلامی (به عنوان اولین نهاد انقلابی مسلح برای حفظ

انقلاب به پیشنهاد شهید مطهری (ره) و دستور حضرت امام خمینی (ره)

عضویت به عنوان فقیه در شورای نگهبان قانون اساسی)

نمایندگی حضرت امام خمینی (ره) در هیئت حل اختلاف مسئولان نظام

وزارت کشور در کابینه شهید رجایی و شهید باهنر

نخست وزیر پس از شهادت شهیدان رجایی و باهنر

عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی به حکم حضرت امام خمینی (ره)

عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی به حکم حضرت امام خمینی (ره) و مقام

معظم رهبری

مسئولیت ستاد کمک‌رسانی به مردم مناطق بمباران‌شده

عضویت در شورای بازنگري قانون اساسی

ریاست مرکز رسیدگی به امور مساجد

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

مؤسس و دبیرکل جامعه روحانیت مبارز

ریاست دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

تولیت حوزه علمیه مروی به حکم حضرت امام خمینی (ره)

ریاست مجلس خبرگان رهبری

آیت الله مهدوی کنی (ره) در آینه انقلاب

امام خمینی (ره)؛ بنیانگذار کبیر انقلاب

وزارت کشور از وزارتخانه‌های بسیار وسیع است و بحمدالله در رأسش هم آقای مهدوی واقع شدند که خوب ما از سابق ایشان را ارادت داشتیم و حالا هم ارادت داریم و بعدها هم ارادت خواهیم داشت به ایشان.» (صحیفه امام ج ۱۵/ص ۱۲۴).

یا در جای دیگر می‌فرمایند: «(ایشان) با همه توان در خدمت به اسلام کوشاهستند» (همان ج ۱۶/ص ۴۱۸).

آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی

این عالم بزرگوار از جمله نخستین مبارزان راه دشوار انقلاب و از چهره‌های اثرگذار و یاران صمیمی نظام جمهوری اسلامی و از وفاداران غیور و صادق امام بزرگوار بود و در همه عرصه‌های مهم کشور در دوران انقلاب شجاعانه و با صراحت تمام نقش‌آفرینی کرد. همه جا و همه وقت در موضع یک عالم دینی و یک سیاستمدار صادق و یک انقلابی صریح ظاهر شد و هرگز ملاحظات شخصی و انگیزه‌های جناحی و قبیله‌ئی را به حیطة فعالیت‌های گسترده و اثرگذار خود راه نداد.

این انسان بزرگ و پرهیزگار، همه وزن وزین خود را در همه حوادث این دهها سال در کفه حق و حقیقت نهاد و در دفاع از راه و سیره انقلاب و نظام، کوتاهی نورزید. رحمت و رضوان الهی بر روان پاک او باد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی؛ رییس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام

شخصیت ارزشمندی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر جا که نظام به وجود ایشان نیاز داشت، دریغ نورزید. در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب با کمک به تأسیس کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپس با حضور در شورای انقلاب، هم راه را بر یکه تازی های آشوبگران و تجزیه طلبان بست و هم آرامش را به مردم هدیه داد که ضروری ترین نیاز در آن روزها بود. پس از آن به سنگر مجلس رفت و وقتی دید با حضور در دولت بهتر می‌تواند به وظایف خویش عمل نماید، مسوولیت حضور در کابینه و حتی نخست‌وزیری را نیز پذیرفت. در مقطع بعدی که انقلاب تثبیت شده بود و نیاز به تحکیم پایه‌ها برای تداوم داشت به سنگر علم و دانش رفت و مصداقی عملی از تلاشگران برای تقویت وحدت بین حوزه و دانشگاه شد.

آیت الله موحدی کرمانی؛ دبیرکل جامعه روحانیت مبارز

یار دیرین امام و رهبری، سال‌های متمادی عمر خود را در راه خدمت به مردم و اشاعه فرهنگ ناب اسلامی و به ثمر رسیدن و تثبیت انقلاب گذراندند.

امکان دارد افرادی فقط از ولایت سخن بگویند اما در عمل وفادار نباشند یا در اعلام برائت ضعیف عمل کنند اما ایشان هم در اعلام برائت و هم در ولایت قوی عمل کردند.

ایشان به عنوان یار همیشگی انقلاب اسلامی به خوبی دین خود را نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ادا کردند و تامین خواسته‌های قلبی ولی امر در سرلوحه اعمال ایشان بود.

همزمان با قرار گرفتن در مقام عالی روحانیت، از نظر اخلاقی در کمال تواضع، فروتنی، متخلق و خوشرو بودند. به دلیل همین سلوک شخصی، علاوه بر خانواده، جامعه نیز مجذوب ایشان می شدند.

شرط صحت اعمال را اخلاص می دانستند و به شدت مخلصانه فعالیت می کردند.

آیت الله علم الهدی

امام جمعه مشهد، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی

این شخصیت بزرگ به عنوان یک استاد شایسته، عمر خود را برای گسترش بیش صحیح اسلامی چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه علمی و دانشگاهی صرف کرد.

ایشان به موقعیت‌های مختلف زندگی خود از دوران مبارزات انقلابی و زندان‌های رژیم طاغوت تا نخست‌وزیری و مسئولیت‌های مختلف حکومتی پس از انقلاب به عنوان یک تکلیف و عرصه خدمت می‌نگریست و در طول انقلاب همواره در قامت یک یار وفادار و فداکار، مورد اعتماد و تکیه‌گاه امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب بود.

روزگاری بود که اگر می‌خواستیم به جوانان این سرزمین الگوی مبارزاتی نشان دهیم به صدر اسلام مراجعه می‌کردیم اما به برکت انقلاب مقدس اسلامی، افرادی چون آیت الله مهدوی(ره) را داریم که الگوی استکبارستیزی و مبارزه است. این یعنی همه می‌توانند زهیر، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه و... شوند.

آیت الله مهدوی کنی (ره) دژ محکم انقلاب

آیت الله مهدوی کنی (ره) و نظارت بر رهبری

هر جامعه انسانی نیازمند به رهبری است و حاکم مسلمانی که تنها به نظرات تکیه کند، از روش قرآن انحراف پیدا کرده است.

نظارت به این معنا نیست که ما بخواهیم از رهبری اشکال بگیریم. نظارت ما همان نظارت حراستی است که در دعای عهد آمده و باید رهبری را حفظ کنیم البته گاهی ممکن است حفظ به معنی تذکر باشد اما این به مفهوم از بین بردن همه حرمت‌ها و چارچوب‌ها نیست.

امام (ره) فرمودند تنها با احساسات نمی‌توان کشور را اداره کرد. ایشان هیچگاه نمی‌گفتند که من به تنهایی این نظر را دارم و تاکید داشتند که با کارشناسان مذاکره کنید.

ما، هم ولایت و هم مرجعیت داریم و ممکن است در زمان ما چند مرجع باشند اما همه آنها ولایت ندارند.

الان نیابت ولایت امام راحل (ره)، مقام معظم رهبری است. اگر کسی در این راه کجروی کند، مسلماً راه را گم کرده است ما این راه را ادامه خواهیم داد و از خداوند هم می‌خواهیم که ما را در این راه ثابت‌قدم بدارد که گمراه نشویم و حوادث ما را متغیر نکند.

آیت الله مهدوی کنی (ره) و بیداری اسلامی

در کشور ما همیشه بیداری در جهت حضور مردم و مشارکت آنها در مراحل مختلف انقلاب اسلامی قرار دارد.

اگر ما داخل کشور و در جهان پیرامون طوری عمل کنیم که کشورها از ما در بیداری اسلامی تبعیت کنند، مسیر درستی خواهیم داشت.

باید متوجه موقعیت خطیر خود باشیم زیرا اگر اشتباه کنیم انقلاب نوپای آنها مصادره خواهد شد و همه کشورهای انقلابی مسلمان با هم شکست خواهیم خورد. برای جلوگیری از مصادره بیداری اسلامی باید با یکدیگر ارتباط داشته باشیم و از دین پیروی کنیم. نباید بیداری اسلامی در قالب فرهنگ غربی ارائه شود.

مسئله بیداری با مفهوم قیام در قرآن آمده است. قیام در قرآن با چند کلمه بدون تعدی و با تعدی استعمال می‌شود و قیام به مفهوم یک تحول هدفمند و پویا از یک مرحله به مرحله دیگر در زندگی است.

کسانی که در مسیر بیداری اسلامی جامعه و احیای تفکر دینی باشند باید تحمل سختی‌ها را داشته باشند.

آیت الله مهدوی کنی(ره) و بسیج

امام خمینی (ره) در آغاز شکل‌گیری بسیج فرمودند: «امیدوارم بسیج روزی الگوی تمام مستضعفین جهان و ملت‌های جهان شود.» امروز این آرزوی امام (ره) تحقق یافته و مسلمانان آزاده و پاک‌باخته با تاسی به فرهنگ بسیج در میادین نبرد با استبداد داخلی و استعمار خارجی در جوامع خود کاری کارستان کرده و مسیر تاریخ اسلام و جهان را به سمت ظهور حضرت بقیه الله اعظم (ارواحنا فداه) هدایت کردند.

آیت الله مهدوی کنی (ره) و همدلی در سیره پیامبر (صلی الله علیه و سلم)
لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ
رَّحِيمٌ . پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) مومنان را واقعاً دوست می داشت و
نسبت به آنها رئوف و مهربان بود و آن را خودی و وابسته به خود می دانست.
چنان که مومنان را نیز نسبت به هم خودی می شمرد.

آیت الله مهدوی کنی (ره) و وحدت و همدلی در کشور

مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان فرمودند: «آنهایی که اصول را قبول دارند از ما هستند ولی آنهایی که اصول را عملاً یا قولاً قبول ندارند نمی‌توانند در صف ما قرار گیرند.» بعضی‌ها اصول را قبول دارند ولی در مسائل اجرایی اختلاف سلیقه دارند که این طبیعی است. آنچه مسلم است این است که در اختلافات و مسائل اجتماعی نباید دعوا کرد. مجلس هست؛ مذاکره هست؛ بحث هست و حتی المقدور باید به اجماع رسید و اگر نشد، قول اکثریت را باید ملاک قرار داد. راه عقلایی این است که آنچه قانونی است و آنچه مقبول واقع شده را بپذیریم.

آیت الله مهدوی کنی(ره) و اخلاص در نظام

هر نظامی برای استمرار خود به پشتوانه ای نیاز دارد. مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و سلم) می گفتند پیامبر پسر ندارد و کار اسلام به اتمام می رسد. ولی دیدند علی(علیه السلام) آمد. اگر چه با خلافت امیرالمومنین(علیه السلام) مخالفت کردند اما علی(ع) وجود داشت و حتی خلفا را هم هدایت می کرد. ابوبکر و عمر و عثمان را راهنمایی می کرد. اگر علی(علیه السلام) نبود اسلام از بین می رفت. عمر همیشه می گفت: «لَوْ لَأَ عَلَى هَلِكِ الْعَمْرِ.»

نگهداری نظام جمهوری اسلامی نیز به دست هیچ کسی جز روحانیون ممکن نیست. اگر علما و امام(ره) نبودند این انقلاب در روزهای اول دفن شده بود. آمریکایی ها فکر می کردند یک دولت از ملی - مذهبی ها سرکار می آید که با آنها سازگار می شود. آمریکایی ها بعدا دیدند که لانه جاسوسی اشغال شد و امام اعلام کرد که ما مرد جنگیم و تا آخر ایستاده ایم و آمریکا شیطان بزرگ است، از انقلاب ناامید شدند. ما نهضت های زیادی از زمان مشروطه به بعد داشتیم که نتوانستند نهضت ها را حفظ کنند. اما امام تا آخر ایستاد و خداوند هم تأییدش کرد، چرا که امام اخلاص داشت.

آیت الله مهدوی کنی (ره) و علم دینی

علم ایمانی

علم مکمل ایمان است. علم در بسیاری از اوقات مقدمه ایمان و مکمل آن است و به همین لحاظ در قرآن از آن ستایش شده و در جنب ایمان قرار گرفته است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» ای کسانی که ایمان آورده اید چون به شما گفته شود در مجالس جای باز کنید پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند (بر حسب) درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می کنید آگاه است»

آیت الله مهدوی کنی (ره) و علوم انسانی اسلامی

در آموزه های اسلامی، علم به عنوان عطیه ای الهی و آسمانی توصیه شده است و آفرینش انسان با علم و دانش قرین ذکر شده است: «الرَّحْمَنُ؛ عَلَّمَ الْقُرْآنَ؛ خَلَقَ الْإِنْسَانَ؛ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»

معنای اینکه می‌گوییم ما علوم انسانی و سایر علوم را باید اسلامی کنیم به این مفهوم نیست که تجارب بشری را باید زیر پا بگذاریم. این یک حرف غلط است که یک نفری بگوید تجربه‌ها باید به زیر پا برود. بحث این است که تجربه‌ها به جای خودش محفوظ، ولی تجربه‌ها را با اصولی که می‌پذیرید و پذیرفته‌اید منطبق کنید و در زیر آن چتر کلی، تجربه‌ها را ادامه بدهید. نباید بگویید که دیگران تجربه کرده‌اند و تمام شد. اگر بگویید تمام شد این اساساً بر خلاف علم است.

آیت الله مهدوی کنی (ره) و علوم انسانی اسلامی در دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

اگر بخواهد تبادل فرهنگی انجام بپذیرد، باید ابتدا، تبادل آموزشی باشد. گذاشتن عالم اقتصاد، در کنار عالم اسلامی، قرار گرفتن دو فرهنگ مجزا، کنار یکدیگر است که به التقاط می انجامد. به عقیده من، اگر بخواهد خلط و مزج درستی انجام پذیرد، به این است که این هر دو دانش را یک نفر داشته باشد.

این، همان راه دومی است که ما در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پیشنهاد می کنیم و از هدف های تشکیل جامعه الامام الصادق (علیه السلام) است. بر آنیم دانشجویی تربیت کنیم که به منابع دینی، به طور مستقیم، بتواند دسترسی داشته باشد و هم به علوم روز آشنایی داشته باشد، تا بتواند آن اصول ارزشی را در برنامه-ریزی ها رعایت کند.

به بیان دیگر، همان کسی که می خواهد برنامه ریز باشد، حافظ ارزش ها نیز باشد و این تنها از کسی ساخته است که در هر دو زمینه، آگاهی لازم را داشته باشد. امیدوارم با درک معارف دینی و معلومات حوزوی و دانشگاهی دانشجویان این دانشگاه، مظهر وحدت حوزه و دانشگاه و حلقه ارتباطی میان این دو پایگاه باشند و با تجهیز علم و عمل، مبلغان شایسته و مجریان خوبی برای اسلام و انقلاب در داخل و خارج کشور شناخته شوند.

آیت الله مهدوی کنی (ره)
و راهکارهای اصلاح جامعه امروز

توصیه به جوانان

۱. در همه کار، خدا را در نظر بگیرید. اگر این جهت گیری درست باشد، کار، معنی می یابد و ثمر می دهد.
۲. به عبادات تقید داشته باشید، به ویژه تهجد و نماز شب. اینها برای طلبه خیلی لازم است. کسی که طالب کمال و قرب به خداوند است، این آیه شریفه سوره اسراء را حتم، مورد توجه قرار دهد: «ومن اللیل فتهجد به نافله لک عسی آن یبعثک ربک مقاما محمودا؛ پاره ای از شب را به نمازگزاردن، زنده بدار. این نافله، خاص تو هست. باشد که پروردگارت، تو را به مقامی پسندیده برساند.
۳. توسل به ولی عصر(عج) ما بر این باوریم که فیض الهی، از این مسیر به ما می رسد. علاوه بر این که عالم محضر خداست، محضر ولی خدا نیز هست.
۴. پرهیز از شبهات، به ویژه شبهات مالی، البته نه تنها شبهات حرام که شبهات جهتی، همان چیزی که بسیاری از ما غافلیم.

زندگی الهی

اگر هدف از غذا خوردن و خوابیدن، آماده شدن برای عبادت و خدمت به مردم باشد، این کار جنبه الهی و عبادی پیدا می کند. ولی اگر مقصود، شکم بارگی و لذت خواهی باشد، کاری حیوانی و زودگذر است. در عمل، نیت خدایی و اخلاص عمل شرط است.

قرآن کریم در آیه ۱۹۱ سوره آل عمران سوره می فرماید: « الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.»

تولی و تبری

تولی و تبری به این معناست که انسان باید خوبی ها و خوب ها را دوست بدارد و با کژی ها و کژمدارها در ستیز باشد. مگر نه این است که خدای متعال در وصف پیروان راستین حضرت محمد (صلی الله و علیه و آل و سلم) فرموده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزِعٍ أُخْرِجَ شَطَآءُ فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی، آنها همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنها در تورات است و توصیف آنها در انجیل همانند زراعتی است که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد! این برای آن است که کافران را به خشم آورد، خداوند کسانی از آنها را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.»

پس مومن متعهد باید هم جاذبه داشته باشد و هم دافعه؛ تولی و تبری به قدری اهمیت دارد که در برخی از احادیث به عنوان محکم ترین دستاویز ایمان به شمار آمده است.

محاسبه نفس

از جمله اصول اخلاقی و عرفانی، اصل محاسبه نفس است، سالکان راه خدا و طلاب دار بقا همانطور که در صبحگاهان با خویش عهد و میثاق می‌بندند، ساعتی را نیز برای محاسبت و بازنگری در اعمال روزانه در نظر می‌گیرند. قرآن در آیه ۱۲ سوره یس می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ؛ آری ما مییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار [و اعمال]شان درج می‌کنیم و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم»

اصل محاسبه با توجه و مراعات هفت اصل تحقق می‌پذیرد: ۱. اصل تقدیر و اندازه-گیری ۲. اصل مسئولیت‌پذیری ۳. اصل بقای عمل ۴. اصل ثبت و ضبط اعمال ۵. اصل حسابرسی و بازخواست ۶. اصل مجازات و بازتاب اعمال ۷. اصل توبه و جبران.

اهمیت نیت

از آنجا که اخلاق اسلامی براساس تزکیه و تقویت بنیه معنوی و فضائل نفسانی و ارزش‌های والای انسانی نهاده شده است، بدین جهت، در کلیه اعمال اعم از قلبی و بدنی - به ویژه عبادات - اصل با نیت است. نیت تا آن درجه موثر است که چنانچه عملی غیرعبادی و مباح با صبغه الهی و قصد قربت انجام شود عنوان عبادت به خود می‌گیرد و دارای اجر و ثواب می‌شود. پس نیت، روح عمل و حقیقت آن است. به تعبیر دیگر، آنچه در اسلام اهمیت دارد جنبه باطنی و حقیقی عمل است که ارزش و قبولی اعمال به آن بستگی دارد.

اخلاص

اخلاص پاک کردن نیت از شرک و ریا است (چنانکه تزکیه و تهذیب نفس زدودن روح از صفات ناپسند و کدورت‌های معنوی و تطهیر، پاک کردن ظواهر جسم و بدن از نجاسات و آلودگی‌های ظاهری است) و چون اخلاص، امری قلبی و وجدانی است نمی‌توان آن را با ظاهر زیبا و حجم کار ارزیابی کرد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «لیست الصلوه قیامک و قعودک انما الصلوه اخلاصک و ان ترید بهالله وحده؛ نماز نشستن و برخاستن نیست، بلکه نماز اخلاص و خدا خواهی توست (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۲۵).

اخلاص از شرایط عمومی تمام عبادات است که فقیهان آن را شرط صحت عمل، حکیمان شرط قبول و عارفان شرط وصول دانسته‌اند. تا عمل صبغه الهی و آسمانی نداشته باشد به سوی خدا بالا نمی‌رود و موجب قرب به محبوب نمی‌شود. اعمال ریایی با خداوند و ملکوت هیچ سنخیتی ندارد تا وسیله ارتباط میان بنده و خداوند متعال باشد. در قرآن آیه ۵ سوره بینه آمده است: «وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ؛ و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده‌اند دین [خود] را برای او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است».

هوای نفسانی

نفس انسانی طبعاً به دنبال آسایش رفاه و بی‌قیدی می‌گردد و در اثر شهوات و خواست های حیوانی، در آغاز کار نسبت به انجام فرایض و ادای وظایف بی‌اعتنا و سهل‌انگار و برعکس در ارتکاب گناه و سرپیچی از مقررات آماده تر است. از این رو باید در مبارزه با هوای نفس و کنترل آن سخت کوشید تا نفس حیوانی رام گردد و آماده اطاعت و فرمانبرداری شود. غرض از ریاضت سه چیز است: یکی رفع موانع وصول به حق، دوم مطیع گردانیدن نفس حیوانی برای عقل عملی، سوم آماده شدن نفس انسانی برای پذیرش فیض الهی و هدایت‌های ربانی و امدادهای غیبی که فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه های خود را بر آنان می‌نماییم» (سوره عنکبوت/ آیه ۶۹).

نظم و انضباط

یکی از نقاطی که در پیشرفت کار نقش اساسی ایفا می‌کند نظم و انضباط است و البته نظم و ترتیب امکان ندارد مگر آنکه انسان برای هر کاری ساعتی و وقتی معین کند و خود را به رعایت آن عملاً موظف بداند. جهان ما جهان مادی و گذراست و دامنه عمر همه محدود و پایان‌پذیر است و در این محدوده نمی‌توان به تمام خواست‌ها و کارها رسید. خداوند متعال با اینکه برتر از زمان و آفریننده آن است هنگامی که داستان خلقت آسمان‌ها و زمین را بازگو می‌فرماید مسئله زمان و روز و شب و ماه و سال را به میان می‌کشد و هر کدام را با مقطعی از حرکت به عنوان زمان تطبیق می‌دهند و در یک بیان اجمالی، همه چیز را مقدر و دارای اندازه معرفی می‌نماید و در آیه دوم سوره فرقان می‌فرماید: «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَمْ يَتَّخِذُ وَلَدًا وَكَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا؛ همان کس که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نبوده است و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه‌گیری کرده است».

خدمت به خلق

از نقاط بسیار حساس در اخلاق اسلامی حس تعاون و تعاضد و خدمت به مردم به خصوص خدمت به مومنان و صالحان است. از مجموعه تعالیم اسلامی و سیره اولیا (علیهم السلام) استفاده می شود که پس از ادای فرایض، بالاترین وسیله برای تقرب به خداوند متعال این خصلت نیکوست. اولیای خداوند همواره در خدمت مردم بودند و شخصاً در رفع حوایج آنان اقدام می کردند. از قرآن مجید استفاده می شود که آنچه به سود مردم باشد پایدار و جاوید خواهد بود و آنچه سودمند نباشد مانند کف بر روی آب، به زودی از میان می رود و اثری از آن باقی نمی ماند. خداوند در آیه ۱۷ سوره رعد می فرماید: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِلُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذٰهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثَالَ؛ (همو که) از آسمان آبی فرو فرستاد پس رودخانه هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند و سیل کفی بلند روی خود برداشت و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی در آتش می گذازند هم نظیر آن کفی برمی آید خداوند حق و باطل را چنین مثل می زند اما کف بیرون افتاده از میان می رود ولی آنچه به مردم سود می رساند در زمین [باقی] می ماند خداوند مثلها را چنین می زند».

توکل

توکل یکی از نقاط آغاز و مظاهر ایمان و مکارم اخلاق، توکل بر خدا و اعتماد به پروردگار متعال است. در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) در ارتباط با توکل، مطالب فوق العاده ارزشمندی آمده است مثلاً در آیه ۲۳ سوره مائده آمده است: «قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ عَلَيَّمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ دو مرد از [زمره] کسانی که [از خدا] می ترسیدند و خدا به آنان نعمت داده بود گفتند از آن دروازه بر ایشان [بتازید و] وارد شوید که اگر از آن درآمدید قطعاً پیروز خواهید شد و اگر مؤمنید به خدا توکل کنید»

انسان همه چیز را باید از خدا دانسته و خود را وابسته به قدرت لایزال او بداند و با این پیوند، همچون قطره‌ای که به دریا می پیوندد، خود را در امواج سهمگین بیندازد و از هیچ چیز نهراسد.

حسن خلق

بسیاری از سنت‌های اخلاقی ممکن است به تنهایی و به صورت فردی واجب نباشد ولی هنگامی که در ظرف اجتماع و در راستای رشد و تکامل و تعالی یک جامعه ملحوظ گردد - یعنی به عنوان فرهنگ یک جامعه مطرح شود- حکم الزامی به خود می‌گیرد، زیرا جامعه‌ای که بخواهد انسانی و اسلامی زندگی کند و زندگی باصفا و حیاتی خداپسندانه و طیب داشته باشد باید به این گونه آداب عملاً پایبند باشد. اگر انسانی و اسلامی زیستن لازم است (که هست) پس رعایت آدابش نیز ضرورت دارد. اصولاً فرهنگ جامعه و اخلاق آن با آداب و سنن در هم آمیخته و تفکیک میان آنها نامعقول و نادرست است. جامعه بی فرهنگ جامعه‌ای حیوانی و میان تهی است. در چنین جامعه‌ای پیوندهای انسانی و معنوی و اجتماعی از هم گسسته و رفتار و اخلاق عمومی بی پشتوانه خواهد بود.

صله رحم

هدف از صله رحم برقرار کردن ارتباط و پیوند خویشاوندی است دین مقدس اسلام می فرماید این وظیفه را حتی با دادن یک جرعه آب و آزار نرساندن به آنان و سلام کردن به یکدیگر می توانید انجام دهید و از اجر و پاداشی که خدا برای صله رحم مقرر فرموده است بهره ببرید.

قطع رحم از گناهان کبیره است و موجب عذاب آخرت می شود و در قرآن مجید از آن شدیداً نهی شده است.

خداوند در آیات ۲۲ و ۲۳ سوره محمد می فرماید: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ؟ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ؛ پس [ای منافقان] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید؟ اینان همان کسانی که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشمهایشان را نابینا کرده است».